

تأثیر اقتصاد و چالش های اقتصادی بر عملکرد یادگیری دانش آموزان ابتدایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۰۲، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۳/۲۰)

دکتر شهلا رضایی^۱

کوثر امیری

عاطفه امینی

چکیده

دانش آموزان هر جامعه به عنوان قشر کارآمد و آینده سازان هر کشور، گروهی هستند که بخش عمده برنامه ریزی و بودجه هر کشور را به خود اختصاص می دهند. آنان از مستعد ترین اقشار جامعه می باشند، لذا توجه به ابعاد روان شناختی آنها در جهت بهبود عملکرد تحصیلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تحقیقات ثابت شده که شغل و سطح اجتماعی والدین نیز رابطه مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارند. بنابراین مالک انتخاب رفتار والدین و تأثیری که بر روی پیشرفت تحصیلی فرزند آن ها می گذارد به این دلیل منظور شده است که خانواده های با تحصیلات بالاتر فرزند کمتری دارند و بنابراین بهتر می توانند با آنها در ارتباط باشند. معمولاً وقت بیشتری برای رسیدگی به مسائل آن ها را دارند. کودکی که در کنار بزرگسالان تحصیل کرده و اهل مطالعه و با حوصله پرورش یافته و بزرگ می شود مسلماً پیشرفت تحصیلی او از سایر کودکانی که ازچنین محیط مساعدی بی بهره اند به مراتب بالاتر است. کمال گرا بودن نه تنها برای شما استرس ایجاد می کند. بلکه ممکن است

^۱ نویسنده مسئول

به رفاه و پیشرفت تحصیلی فرزندان نیز آسیب برساند. در این مقاله با استفاده از منابع موجود کتابخانه ای و میدانی و بهره گیری از مطالعات، و سند کاوی به گردآوری داده های مورد نیاز پرداخته شده و داده های گردآوری شده تجزیه و تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد، ابتدایی، عملکرد، تحصیل، دانش آموزان، چالش اقتصادی و مالی

مقدمه

یادگیری و آموزش دارای بافتی اجتماعی است و در کلاس درس رخ می دهد زمانی می توان از نظریه اجتماعی در پیشرفت تحصیلی در کلاس بهره جست که درک بهتری از چگونگی نقش مشوق های اجتماعی در پیشرفت تحصیلی داشته باشیم. البته پیشرفت تحصیلی بر حسب مهارتهای شناختی تنها هدف آموزشی نیست. عزت نفس و مهارتهای اجتماعی نیز هم به خاطر خودشان و هم بعنوان شرط لازم برای کسب مهارتهای شناختی از ضروریات هستند. انتظارات و الگوهای رفتاری والدین به عنوان نزدیکترین افراد در حوزه ارتباط در محیط خانواده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. انتظاراتی که هر یک از والدین بر مبنای طرح واره های فردی و برنامه های تکاملی خود انتخاب کرده اند، فرصت هایی را در مسیر رشد نوجوانان قرار می دهد و این نوجوانان هستند که با چگونگی ارتباط با آنها و یا پذیرش هر یک از آنان نقش های جدیدی به خود می گیرند و در این بین می توان کمال گرایی را به عنوان یک فرصت در نگاه والدین در نظر گرفت.

• بیان مسئله

تحقیق انجام شده پیرامون میزان تأثیر سطح اقتصادی والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد که در فرضیه های فرعی نشان می دهد بین میزان درآمد والدین و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تفاوت معنی داری وجود دارد یعنی هر چه میزان سطح درآمد والدین در سطح بالاتری باشد پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بیشتر است و هر چه میزان درآمد والدین در حد پایین تری باشد پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کمتر است. در این تحقیق در فرضیه اصلی اثر قطعی تأثیر سطح اقتصادی والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مشاهده می شود و میزان درآمد والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ارتباط مستقیم و مثبت دارد.

موضوع تحقیق تأثیر و نقش میزان درآمد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است . نقش در این موضوع به معنای تأثیر و اثر بخشی می باشد. یعنی میزان درآمد والدین چه نقش و تأثیری در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می تواند داشته باشد. به طور یقین دانش آموزانی که دارای والدین شاغل هستند بهتر می توانند در امر تحصیل پیشرفت کنند یا از والدینشان در این زمینه کمک بگیرند . وجود والدین پشوانه و مدد کار فرزندان می باشد و در تمام مراحل زندگی تأثیرات خود را نمایان می کند. در موضوع مذکور والدین که جمع ولد می باشد به معنای پدر و مادر و به عنوان دو عنصر اصلی خانواده بکار می رود. تحصیل که معنای اصطلاحی آن حاصل و بدست آوردن است، معمولاً در بحث های مربوط به خانواده به عنوان یکی از محورهای بحث مطرح بوده است که البته بیشتر تحقیقات در محیط های بزرگ و پر جمعیت انجام گرفته و نتایج آن بر سایر بلاد تعمیم داده می شود.

پایین بودن سطح تحصیلات و فرهنگ خانواده در درجه ی اول سبب می شود که والدین نتوانند کمک های درسی لازم را به دانش آموزان نموده و در حل مشکلات آن ها را یاری

کند و در درجه ی دوم باعث می شود والدین در خانه کمتر از روزنامه، مجله و کتاب استفاده کنند ؛ در نتیجه فرزندان چنین خانواده هایی نیز از این لحاظ در محرومیت به سر می برند. همچنین به دلایل فقر فکری چنین خانواده هایی نمی توانند نگرش های لازم را به فرزندان خود برای ادامه ی تحصیلات مناسب بدهند. والدین کم سواد و بی سواد معمولاً کمتر به مسئله ی پیشرفت تحصیلی فرزندان خود فکر می کنند، آن ها به دنبال روال عادی زندگی خود هستند و از روابط و همکاری نزدیک با اولیای مدرسه آگاهی لازم را ندارند ؛ در صورتی که دانش آموزانی که والدین آن ها تحصیلات بالاتری دارند، بهتر می توانند از امکانات، راهنمایی و کمک والدین در رفع مشکلات درسی خود مدد گیرند. والدین تحصیل کرده احتمالاً بیش از پدران و مادران کم سواد یا بی سواد به اهمیت و ارزش تحصیلات واقف هستند و علاقه مندی بیشتری به پیشرفت تحصیلی فرزندانشان نشان می دهند و رسیدگی و پیگیری جدیتری در این راه به عمل می آورند.

تشریح عوامل مذکور در فرآیند تحصیل دانش آموزان و میزان تأثیر هر کدام بر روی پیشرفت تحصیلی یا افت آن، تقویت عوامل پیشرونده و ارائه ی فرضیه های لازم به والدین، تعیین میزان تأثیر هر کدام از عوامل اقتصادی، میزان سواد والدین و نگرش آن ها به صورت تشویق و تنبیه و روابط عاطفی حاکم بر خانواده و... بر روی پیشرفت تحصیلی فرزندان، از دیگر مسائل است که این جا لازم است در پی یافتن آن ها باشیم که به نظر می رسد در بهبود وضعیت تحصیلی فرزندان در ارتباط با خانواده مؤثرند. امید آنکه مورد قبول واقع شود و بتوانیم گامی در جهت بهتر نمودن مسئولیت خود بر داریم که ضمن مشخص کردن تعدادی از عوامل که از طریق خانواده بر پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر دارد، میزان و نحوه ی اثر هر کدام از عوامل نیز مشخص گردد، تا ضمن تقویت عوامل مثبت و کم اثر نمودن عوامل منفی والدین را به

وظایف خود آشنا و آنان را در جهت فراهم نمودن زمینه های لازم برای تحصیل فرزندان خود یاری کند.

با توجه به مطالب مشروحه در رابطه با خانواده و نقش آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به این نتیجه می رسیم که خانواده به عنوان سنگ زیربنای جامعه و اولین بستر رشد و شکوفایی استعداد های کودک و محیطی که استخوان بندی نونهالان در آنجا بسته می شود از اهمیتی فوق العاده برخوردار است. خانواده اولین و مهمترین کانون پرورش صحیح، احیا و شکوفایی استعدادهاست هرگونه تحول و تغییر اجتماعی باید از آنجا آغاز شود و هر اقدام اصلاحی نخست باید خانواده را شامل گردد. اهمیت تحقیق و اهداف آن از نظر محقق بیان شده که عبارت است از بدست آوردن اثرات مطلوب نقش میزان درآمد والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان و اصولاً آیا والدین می توانند بر پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر مثبت بگذارند یا هیچگونه تأثیری از ناحیه خانواده در پیشرفت یا عدم پیشرفت فرزندان وجود ندارد. کلیه دست اندرکاران تعلیم و تربیت اهم از علمای قدیم و جدید و محققان روان شناسی تربیتی متفق القولند که بین عملکرد والدین و عملکرد تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد و ما درصدد آنیم که کدام مقوله رابطه نزدیکتر و مستقیم دارد تا با تقویت این متغیر و احیاناً اصلاح آن گامی هرچند کوچک در ارتباط با مسائل تعلیم و تربیت و نهایتاً پیشرفت تحصیلی فرزندان یک مملکت برداریم.

• اهمیت و ضرورت پژوهش

خانواده به عنوان یکی از مهمترین عوامل موثر در رشد همه جانبه کودک است و تاثیر خانواده بر کودک در آغاز حیات وی که از قدرت فراگیری و تربیت پذیری بالایی برخوردار است بیشتر بوده و امکان دارد اثرات آن در سراسر زندگی فرد باقی بماند.

« مفهوم خانواده از نظر فرد را میتوان اینگونه بیان کرد : خانه و خانواده مکانی است که کودک با تمامی تجربه های دیگر لحظه های اجتماعی زندگی خود بدان باز میگردد .» (شجاعی، ۱۳۸۱)

همانطور که می دانیم اقتصاد نقش مهمی در اساس و بنیاد خانواده دارد یکی از عوامل مهم خانوادگی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان عوامل اقتصادی است . زندگی متعارف و متعادل میتواند زمینه بسیار مناسبی برای رشد و پرورش فرزندان باشد در محیطهای فقیر امکان رشد متعادل فرزندان غیر ممکن و یا بسیار اندک است .

نکته مهم دیگر در خصوص مسائل اقتصادی، وضع تغذیه دانش آموزان می باشد و هرگز نباید فراموش کرد که این امر عامل مهمی برای حفظ سلامت و تعادل کودک در امر رشد است و در ذهن و فکر افراد تاثیر میگذارد .

رفاه اجتماعی در گرو اقتصاد جامعه است . جامعه ای که از نظر اقتصادی پیشرفته تر می باشد، افراد آن علاقه بیشتری به کار و کوشش دارند. و هر روز در فکر ایجاد و کشف چیزهای تازه تری هستند. در کل یک جامعه با اقتصاد بالا دارای امکانات لازم و کافی برای پیشرفت دارد.

حالا می خواهیم ببینیم اقتصاد یک خانواده چه تأثیری بر روی فرزندان آن خانواده دارد ؛ مقایسه بین خانواده هایی که دارای وضعیت مالی خوبی می باشند با خانواده هایی که از نظر مالی دارای اقتصاد پایین می باشند نشان میدهند که:

دانش آموزانی که در خانواده های ثروتمند بزرگ می شوند چون با افرادی در سطح تحصیلی بالا یی برخورد می کنند، که یا از خویشاوندان هستند و یا اینکه چون در محله های ثروتمند نشین زندگی می کنند با افرادی برخورد دارند که دارای آرزوها و گرایشات بالاتری می شوند،

که این عوامل موجب انگیزه در تحصیل می شوند خانواده هایی که درآمد بالاتری دارند از نظر اقتصادی مشکلی ندارند. پس باید در تحصیل دانش به حد دلخواه برسند که این عامل وقتی با هم جمع می شوند باعث می شود که دانش آموز در رسیدن به آرزوهایش خود را در موقعیتی احساس کند که آرزوهایش در پیش روی او قرار دارد. «مشکل مالی خانواده ها مشکل مهمی میتواند باشد که در موفقیت فرزندانشان تأثیر مستقیم دارد. خانواده ای که نتواند از کودکی تغذیه مناسب جسمی و روحی برای فرزندانش تهیه نماید، مسلماً در طول دوران تحصیل هم نمیتواند فرزندانش را در کلاسهای تقویتی یا آموزشی قرار دهد که همه ی اینها به طور مستقیم و غیرمستقیم در وضعیت تحصیلی دانش آموزان موثر خواهد بود.

تأثیراتی که ساختار غیر عادلانه ی جامعه میتواند در موفقیت برخی و شکستهای برخی دیگر داشته باشد یقیناً منشا نیرومندی برای تحقیق در این زمینه است. توجه اقتصادی و اجتماعی موفقیتها و شکستها امری لازم است لیکن به هیچ وجه کافی نیست. «موقعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده به قدری مهم است که ساختار آن اثری سه گانه بر روی کودکان و نوجوان دارد اثر این موقعیت محدود به ایجاد تفاوت در مهارتها و نگرشها چه در آغاز و چه در طول تحصیلات نمیشود بلکه از راه تحصیلات عالی و امکانات اشتغالی که به صورت هدفهای مطلوب در برابر دانش آموزان قرار میگیرد قویاً به دخالت می پردازد» (بوردیو و پاسرون، ۱۳۷۹) همچنین اهمیت اثر پیشرفت تحصیلی در سلامت روانی دانش آموزان به حدی است که برخی از متخصصان آن را حداقل تا نیمه دوم دوره نوجوانی معیار اساسی برای تشخیص عملکرد سالم دانسته اند و پیشرفت تحصیلی را به عنوان شاخصی بر روی سلامت روانی دانش آموزان ارزیابی نموده اند. پس از بررسی میزان تأثیر عوامل اقتصادی در پیشرفت تحصیلی به برنامه ریزان و مجریان برنامه های آموزشی کمک می نماید تا موانع و مشکلات را بهتر بشناسد و با اتخاذ روشهای مناسب

کیفیت آموزش و یادگیری را بهبود بخشند. درآمد پایین یک خانواده ضررهای زیادی به فرزندان و پیشرفت دانش آموزان می زند، از نظر پزشکی تغذیه ناکافی و نامناسب باعث کند شدن فعالیت تارهای عصبی در بدن می شود و عوارضی از قبیل بی حوصلگی و بی ارادگی و بی میلی، اختلال در دید و مواردی دیگر رابه وجود می آورد، از آن جایی که بچه ها به تفریح احتیاج دارند و تفریح باعث قوی تر شدن اعضای بدن بخصوص ذهن می شود، خانواده های کم درآمد از این نعمت بی بهره اند.

دانش آموزانی که دارای وضعیت اقتصادی و رفاهی خوبی هستند. دارای پوشه و سرو وضعی بهتر می باشند که خود موجب بالندگی آنها درمقابل بچه های همکلاسی خود می باشند. خود را آدم با شخصیتی تلقی می کند. پس اگر بخواهد از مقبولیت او کم نشود باید درسش را بخواند و برای همین سعی و کوشش بیشتری می کند و پیشرفت تحصیلی بیشتری خواهد داشت.

هوش کودکان در خانواده هایی که از نظر مالی مشکلی نداشته باشند. بیشتر است. حس امنیت و اعتماد کافی در والدین به فرزندان منتقل می شود و به آن ها کمک می کند تا در مورد خودشان احساس بهتری داشته باشند و بتواند فرزندان با کفایت و با لیاقت شوند. برای تصمیم گرفتن در مورد امر سرنوشت سازی مثل بچه دار شدن، پدر و مادر باید خوب فکر کنند و ببینند میتوانند از عهده این کار بر بیایند. یا نه.

موضوع تحقیق تأثیر و نقش میزان درآمد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. نقش در این موضوع به معنای تأثیر و اثر بخشی می باشد؛ یعنی میزان درآمد والدین چه نقش و تأثیری در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می تواند داشته باشد. با توجه به مطالعاتی که در

این زمینه انجام داده ام می توانم نتیجه بگیرم بین میزان درآمد والدین و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه ای مستقیم وجود دارد و دانش آموزانی که میزان درآمد والدینشان در اجتماع اعتبار بیشتری دارد، در امر تحصیل و یادگیری بیشتر به ترقی دست پیدا می کنند. به عقیده ی بزرگان دین کسب علوم در دوران جوانی مناسب تر است و بهتر در ذهن می ماند و ذهن جوان را از اشتغال به موضوعات نامربوط و بیهوده بازمی دارد ؛ هرچه جامعه به عالم بیشتر اهمیت دهد و انگیزه های علمی را بیشتر تشویق کند، جوانان را به شناخت بهتر خود، جامعه و جهان رهنمون می سازد و در نتیجه آنان را از گرایش به خلاف و انحرافات بازمی دارد و همچنین این امر بدون کمک والدین و شناخت آن ها از نوجوانان تحقق نمی یابد.

• اهداف پژوهش

هدف کلی این مقاله عبارت است از:

هدف این پژوهش بررسی تاثیر اقتصادی و چالش های اقتصادی بر عملکرد یادگیری دانش آموزان ابتدایی می باشد.

• اهداف جزئی

۱- شناخت عوامل اقتصادی موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان .

۲- تأثیر تحصیلات والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان .

۳- رابطه ی بین بی سوادی والدین و پیشرفت دانش آموزان

۴- تأثیر اشتغال مادران بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان.

• فرضیات پژوهش

۱- بین وضعیت اقتصادی خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه ی مثبت وجود دارد.

۱- بین وضعیت اقتصادی خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه ی منفی وجود دارد.

بخش اول: اهمیت اقتصادی- اجتماعی خانواده

پژوهشگران در نتیجه تحقیق دریافته اند افرادی که به خانواده های نیازمند و محله های فقیرنشین تعلق دارند غالباً از لحاظ یادگیری و پیشرفت های درسی از خانواده های طبقه متوسط وضع پایین تری داشته اند. کودکان طبقه پایین به دلیل عدم برخورداری صحیح و کافی از غذا لباس شایسته، مسکن و... کمتر به دانش اندوزی پیشرفتهای درسی علاقه نشان می دهند. از مدتها پیش معلوم شده است که تفاوت های آشکاری بین هوش کودکان برحسب سطح اجتماعی اقتصادی والدین آنها وجود دارد. هر اندازه در مقیاس شغلی و اجتماعی بالاتر رویم، متوسط کودکان در آزمون های هوشی به همان اندازه بیشتر خواهد شد. تعداد کودکان باهوش در محیط های اجتماعی، اقتصادی پایین است. برعکس کودکان عقب مانده هوشی در محیط های اجتماعی اقتصادی فقیر بیشتر از تعداد آنها در محیط های اجتماعی اقتصادی غنی است. خانواده را می توان به عنوان یک سیستم اجتماعی یا به عنوان بخشی از یک اجتماع بزرگتر در نظر گرفت و خانواده از یک سو با سازمان ها و موسسات اجتماعی مانند مدرسه بازار و اجتماع ارتباط دارد و از سوی دیگر اعضای خانواده را در بر می گیرد. بنابر این اجتماع فرد و خانواده به صورت یک سیستم با هم در ارتباط اند. اگر خانواده به طور کامل وظایف اساسی خود را به انجام رساند و جامعه حیات خود را با استحکام بیشتری ادامه خواهد داد و سیستم خانوادگی فرد را برای وارد کردن به اجتماع و سیستم اجتماعی آماده می سازد. یکی از روانشناسان به نام

هارلوک ، خانواده را به صورت یک سیستم متعادل پیچیده ای تعریف می کند که با ورود هر کودک این سیستم پیچیده تر می شود. اعضای خانواده سه نفر هستند (پدر و مادر و یک فرزند) در این جا سه نوع تعامل وجود دارد با اضافه شدن یک فرزند دیگر ، شش تعامل خواهد آمد و اگر فرزند سومی به خانواده اضافه شود رقم تعامل به ده می رسد و با ورود هر فرزند جدید دیگر تعداد تعامل ها به همین نحو اضافه می شود، بنابر این خانواده یک نهاد انسانی رو به رشد است که حجم و پیچیدگی آن مرتب در حال دگرگونی است، و اعضای خانواده هم به عنوان فرد و هم به عنوان بخشی از واحد خونیادگی عمل می کنند اندیشه ی بشر همواره نعمتی گران قدر بوده است، این وجه افتراق با سایر موجودات سبب شده است، تا انسان در رهگذر تاریخ و در طول زمان به تکامل رهنمون شود، آدمی، از آغاز پا نهادن به این کره ی خاکی با مشاهده ی پدیده ها، مفاهیم و تصورات اولیه ای در ذهن خویش یافت، سپس در پی مفاهیم اسباب و علل پیدایش پدیده ها و رویدادها و تحولات، به تفکر و تجربه روی آورد و در هر مرحله گامی پیشتر فرا نهاد. خط و زبان، از ابداعات مهمی است که بعدها توسط بشر پدید آمد و انتقال تجربه ها و تفکرات افراد به یکدیگر را میسر ساخت. بدین ترتیب، دانش ناچیز بشر در دوران های اولیه به دوران بعد لبریز شده و در سیر تکاملی خود پیچیده تر و جامع تر گشت. اکنون گنجینه ی گران بهای بشر، علم و دانش که دستاورد قرن ها مرارت و تلاش خستگی ناپذیر بشری است در قالب کتاب ها، نشریه ها و نوشته های گوناگون در آمده است.

بخش دوم: تعاریف عملیاتی

پیشرفت تحصیلی: علیرغم تعاریف متعددی که از پیشرفت تحصیلی شده است از قبیل موفقیت در یک پایه تحصیلی در طول یکسال بدون وقفه و...، منظور از پیشرفت تحصیلی در این

تحقیق یک میزان قرار دادی نمی باشد؛ منظور از پیشرفت تحصیلی موفقیت در امر تحصیل است که می تواند به مهارت در امر خاص یا تخصیص در بخشی از دانش منجر شود و در نظام آموزش و پرورش منظور از پیشرفت تحصیلی دستیابی به اهداف آموزشی مورد نظر هر دوره آموزشی است.

مطالعه ی والدین: والدین محبوبی که اهل مطالعه و علاقه مند به مباحث علمی و یافته های تحقیقاتی هستند و عموماً دوست دارند با اهل علم و اصحاب اخلاق برتر حشر و نشر داشته باشند و در مهمانی رفتن ها و مهمان دعوت کردن ها به این نکته اهمیت بیشتری می دهند و آن را از اصلی ترین معیارهای ارتباط جمعی خود به شمار می آورند، فرزندان شان بیشترین موفقیت تحصیلی و نوآوری های فکری را از خود نشان می دهند.

وضعیت اقتصادی خانواده: در رابطه با خانواده تعاریف زیادی شده است که در ذیل به چند نمونه از آنها اشاره می شود. خانواده یک گروه خویشاوند است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای بنیادی دیگر جامعه مسئولیت اصلی را به عهده دارد. خانواده از گروهی از آدم ها ترکیب می شود که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط می یابند و طی یک دوره زمان نامشخص با هم زندگی می کنند (ثلاثی، ۱۳۷۲). یکی از تعاریفی که از جامعیت بیشتری در مورد خانواده ها برخوردار است تعریف خانواده از کارل راجرز می باشد. «خانواده نظامی نیمه بسته است که نقش ارتباطات داخلی را ایفا می کند و دارای اعضای است که وضعیتها و مقامهای مختلفی را در خانواده و اجتماع احراز کرده و با توجه به محتوای نقش وضعیتها، افکار و ارتباطات خویشاوندی را که مورد تأکید جامعه است ایفا می کند. (فرقانی رئیسی، ۱۳۷۳)

کارکردهای خانواده: خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی معمولاً کارکردهای گوناگون به عهده دارد. ماهیت این کارکردها و سطح اجزای آنها بی گمان از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت می کند.

تنظیم رفتار جنسی و زاد و ولد: انسان ها با آنکه موجودات اجتماعی هستند اما مانند جانوران دیگر میل و کشش جنسی دارند که باید برآورده شود. نهادگرایی جنسی به صورتهای گوناگون در همه جوامع بشری به چشم می خورد. نمونه هایی از این نهادگرایی در طرز لباس پوشیدن، ادبیات و افسانه های جوامع گوناگون متجلی می شوند. روابط جنسی یک مقصود عملی و فوری در جامعه دارد که آن تمدید نسل از طریق زاد و ولد طبیعی است. اما جامعه نیز در تنظیم روابط جنسی مسئولیت دارد.

مراقبت و محافظت از کودکان ناتوان و سالمندان: از آنجا که کودکان نمی توانند از خودشان نگهداری کنند خانواده مسئولیت اصلی مراقبت جسمانی و اقتصادی از آنهاست از این گذشته خانواده معمولاً مسئول نگهداری و تأمین اقتصادی اعضای ناتوان و سالمندش نیز به شمار می آید. اجتماعی کردن فرزندان: در سراسر تاریخ بشر، خانواده همیشه عامل اصلی اجتماعی کردن اولیه فرزندان بوده است. پس از تولد کودک، خانواده، برای یک دوره زمانی به نسبت طولانی، تنها گروهی است که با کودکان تماس گسترده ای دارد.

تثبیت جایگاه و منزلت اجتماعی خانواده: هر جامعه ای نظامی از قواعد تباری را برای تعیین جایگاه و منزلت اجتماعی متناسب کودکان به کار می بندد و از این طریق خویشاوندان و خانواده فرد را مشخص می سازد.

فراهم آوردن امنیت اقتصادی : در بسیاری از جوامع مبتنی بر کشاورزی، خانواده از نظر اقتصادی، هم یک واحد تولید است و هم یک واحد مصرف، خانواده از نظر سنتی مسئول برآوردن نیازهای اقتصادی بنیادی اعضایش بوده است.

نیازهای عقلی: تحقیقاتی که درباره رشد فکری اطفال به عمل آمده نشان می دهد که طفل در هر مرحله از رشد محیط خود را به نحوی می بیند. و جهان برای او معنای خاص دارد. بنابراین آموزش هر موضوعی در هر سنی به طفل مستلزم این است که آن موضوع را به همان نحوی که طفل محیط خود را درک می کند در همان معنای خاصی که جهان برای او دارد دریاوریم. بدین ترتیب کودک به تدریج به دنیای خارج و محیطی که در آن زندگی می کند خو گرفته و بر فهم و ادراک خود می افزاید.

نیازهای عاطفی : برآوردن نیازهای عاطفی کودکان خیلی مهم است. عواطف طفل تأثیرات درونی اوست نه اعمال و رفتاری که از او سر می زند چه این اعمال و رفتار تنها نشان دهنده وجود آن عواطف است. نه خود آنها عواطف محصول عکس العمل فرد در برابر تجارب گوناگون است. پیش از آنکه بتوان در اعمال کودک تغییری ایجاد کرد باید تأثیرات درونی وی را تشخیص داد. در حالی که کودک هنوز مسائل عقلی را نمی فهمد و درک نمی کند مطالب عاطفی و مهر و محبت، خشونت غضب توجه و بی اعتنایی در او تأثیر می گذارد.

روابط و نظام ارزشی خانواده: شاید بتوان گفت مهمترین عامل مؤثر در شکل گیری نگرش دانش آموزان نسبت به تحصیل خانواده است. اینکه والدین با تحصیل دانش آموزان و درس و تحصیل او چگونه برخورد می کنند و در الگوهای تربیت خود برای چه نوع رفتارهایی ارزش قائل می شوند. ارزشهای خانواده نه تنها در انگیزه و پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر بسزایی

دارد بلکه در رفتار و چگونگی سازگاری آنان با شرایط و موقعیت های آموزشی نیز نقش تعیین کننده ای را ایفا می کند.

بخش سوم: پیشینه پژوهش

دانش آموزانی هستند که از نظر بهره هوشی و جسمانی هیچگونه ناراحتی و عقب ماندگی ندارند اما بر اثر فقر خانوادگی و تحمل گرسنگی و کمبودها و نداشتن وسایل تحصیل نمی توانند به طور مرتب در مدرسه حضور یابند و در سهای خود را فراگیرند و در نتیجه دچار ناکامی و عقب ماندگی میشوند. معمولاً با شنیدن واژه «آموزش» اولین تصویری که در ذهن نقش می بندد، تصویر «مدرسه» است. ولی با کمی کوشش و دقت می توان به خاطر آورد که آموزش (با تعلیم و تربیت) قبل از تاسیس اولین مدارس در طول عمر بشر وجود داشته است. حتی در میان جوامع اولیه نیز آموزش انجام می پذیرفته است. اعضای بزرگسال خانواده، در طول تاریخ، پیوسته خردسالان را آموزش داده و تربیت کرده اند. امروزه مطالعه و تحصیل از جمله ضروری ترین نیازهای هر فرد انسانی است. زندگی در این جامعه پیچیده و متحول مستلزم آن است که فرد به طور دایمی به فراگیری و مطالعه پردازد و از انگیزه درونی برای یادگیری برخوردار باشد. در این صورت است که می تواند به طور خود جوش و بدون نیاز به محرک های بیرونی تلاش کند و به موفقیت برسد. البته در غیاب انگیزه درونی این پاداش ها و مشوق های بیرونی است که می تواند فرد را به تحصیل و مطالعه تشویق کند. «وضعیت اقتصادی تعیین کننده ی محل سکونت است و اگر دانش آموزان به دلیل فقر مالی نتوانند محل مناسبی داشته باشند برای انجام تکالیف و مطالعه ی دروس با مشکل روبرو خواهند بود. محل سکونت تعیین کننده ی نوع مدرسه ای است که کودک در آن درس میخواند. وقتی محل سکونت دانش آموز در یک محل فقیر باشد از نظر امکانات آموزشی و معلمان با کمبودهایی روبرو میشوند که مستقیماً

برپیشرفت تحصیلی او اثر میگذارد» (بیابانگرد، ۱۳۸۰) اندازه گیریهای مربوط به چگونگی ارتباط پیشرفت تحصیلی با وضعیت اقتصادی - اجتماعی یا موقعیت خانواده در تمامی کشورها و در تمامی سطوح سنی و در مورد تمامی موارد درسی حکایت از وجود یک رابطه + دارد. « اولین مطالعه ریاضیات در انجمن بین المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی که در سال ۱۹۶۴ صورت گرفت به چنین نتیجه ای دست یافت. (پی کیوز، ۱۳۸۰) از عوامل متعدد و ممکن تعیین کننده وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده، ساده ترین آن یعنی شکل پدر با علم به این که دلیل محکمی برای انتخاب آن وجود ندارد اما به سبب سهولت قابلیت کاربرد آن در همه کشورها به عنوان شاخص اصلی تعیین کننده ی وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده انتخاب شد.

« در اولین مطالعه ی علوم توسط انجمن بین المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی از هر مدرسه خواسته شد. دانش آموزان خود را براساس مشاغل پدرانشان طبقه بندی کنند و تاثیر میزان درآمد پدر بر پیشرفت تحصیلی فرزندان بالا بوده است. (پی کیوز، ۱۳۸۰)

پژوهشگران در نتیجه تحقیق دریافته اند افرادی که به خانواده های نیازمند و محله های فقیرنشین تعلق دارند غالباً از لحاظ یادگیری و پیشرفتهای درسی از خانواده های طبق متوسط وضع پائین تری داشته اند. کودکان و نوجوانان خانواده های مرفه و ثروتمند برایشان دشوار است که از حال و روز کودکان نیازمند و فقیر آگاهی یابد. این کودکان فقیر که از غذا و لباس کافی و مناسب و مسکن شایسته ای برخوردار نیستند کمتر به دانش اندوزی و پیشرفتهای درسی علاقه نشان میدهند. بسیاری از آنان تکالیف خود را به خوبی انجام نمیدهند و به درس و سخنان معلم کمتر توجه میکنند. بیشتر پرخاشگری و کینه توزی و برای تحصیل و یادگیری دارای انگیزه کمتری هستند.

«در سال ۱۹۶۱ کلمن، یکی از پژوهشگران آمریکایی برای آگاهی از تاثیر فقر در پیشرفت تحصیلی و جلوگیری از اثرات ناخوشایند آن در تحصیل کودکان و نوجوانان یک رشته برنامه های تحقیقی را تهیه و اجرا کرد. کلمن در پژوهشهای خود عوامل گوناگونی مانند نارسایی وسایل درسی، کمبود حقوق معلمان، وضع اقتصادی و غیبت شاگردان را از مدرسه مورد بررسی قرارداد و باشگفتی دریافت که ناکامی و عقب ماندگی تحصیلی شاگردان در خانواده های فقیر و پائین جامعه بیشتر از هر مورد دیگر است. زیرا در اغلب این خانواده ها، علاوه بر نارسایی های غذایی و پوشاکی، انگیزه و احساس مسئولیت درسی کمتر میشود» (پارسا، ۱۳۸۰)

کودکانی که متعلق به خانواده هایی با پایگاه اقتصادی و اجتماعی فوق العاده پائین بوده و تواما با فقر اقتصادی و فرهنگی مواجه اندازه گیر تحصیلی بسیار پائین برخوردارند از سویی دیگر در کنار فقر فرهنگی و محرومیت های محیطی، شرایط اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه نیز در چگونگی تبلور انگیزه های رشد پیشرفت یا افت تحصیلی دانش آموزان نقش به سزائی دارد. وضعیت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خانواده در نظام ارزشها به ویژه در روش تربیت فرزندان تاثیر دارد. در بعضی از خانواده ها پیشرفت کودکان در امر تحصیل به عنوان یکی از ارزشهای مهم تلقی میشود. اینگونه خانواده ها برای پیشرفت فرزندان خود اهمیت زیادی قائل هستند. آنان اغلب با مدرسه و معلم و فرزندان خود در ارتباطند ولی اعضای طبقه کارگر ارزش پائین تری برای آموزش و پرورش قائل هستند. همچنین آنان تاکید کمتری بر آموزش رسمی دارند و آنرا وسیله ای برای پیشرفت تحصیلی قلمداد نمی کنند.

«والدین طبقه پائین به هیچ وجه نسبت به معلم و تربیت توجهی ندارند و به امر حضور در جلسات انجمن خانه و مدرسه چندان علاقه ابراز نمی دارند و به هیچ وجه به پیشرفت تحصیلی فرزندان خود رغبت نشان نمی دهند و حتی طفره رفتن از مدرسه را تشویق میکنند و تحصیل کردن را

ناچیزی می شمارند . در نتیجه بسیاری از نوجوانان طبقه پائین خواهان این هستند که هر چه زودتر مدرسه را ترک کنند و برای خود میزان درآمدی دست و پا کنند پولی به دست آورند .» (مایر زبلر، ۱۳۵۰)

کودکانی که در محیط فقیر زندگی میکنند اغلب با مشکلاتی در خانه و مدرسه مواجه هستند که یادگیری آنان را به مخاطره می اندازد. آنها در خانه والدینی دارند که معیارهای بالای تحصیلی را برای آنان فراهم نکرده و قادر به خواندن مطالب برای آنان نیستند و پول کافی برای تهیه لوازم مورد نیاز و ایجاد تجربیات آموزشی نظیر کتاب و سفر به باغ وحشها و موزه ها را ندارند . آنها اغلب دچار سوء تغذیه بوده و در نواحی ای زندگی میکنند که در آنجا جرم و خشونت روشی برای زندگی است .

« در تحقیقی برای بررسی نقش فقر در پیشرفت ریاضی و خواندن، بیش از ۱۲۰۰ نوجوان ۱۲ الی ۱۴ ساله مورد مطالعه قرار گرفتند . این مطالعه نشان داد فقر با نمرات پائین در درس ریاضی و خواندن ارتباط دارد . زیرا این نوجوانان در محیطهای خانوادگی ای زندگی میکردند که از تحریکات شناختی و حمایتی کمی برخوردار بودند » (بیابانگرد، ۱۳۸۴)

مسئله پیشرفت تحصیلی وافت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش مسئله ای مهم تلقی میشود و تحقیقات زیادی برای یافتن علل این مسئله انجام شده است . شکست تحصیلی همانطور که گفته شد یکی از مسائل مهم در آموزش و پرورش است و علل مختلفی برای این امر پیدا شده است که یکی از این عوامل، عوامل اقتصادی خانواده است . « در ایران، شکست تحصیلی زیاد و پر حجم است و از همان سال اول ابتدائی گریبان گیر برخی از دانش آموزان میشود . تحلیلهای آماری نشان میدهد که این پدیده در ایران نیز همانند سایر جوامع گزینشی است و همه ی طبقات

اجتماعی به یک نسبت با آن مواجه نیستند این امر در مناطق محروم روستایی و در میان حاشیه نشینان شهرها بسیار عمیق تر است. برای مثال آمارافت تحصیلی در سه منطقه تهران (۳ و ۱۲ و ۱۹) نشان می‌دهد که دانش آموزان منطقه ۱۹ که بیشتر ساکنان حاشیه نشین تهران را در خود جای می‌دهند در حد وسیع تری در معرض این پدیده اند» (بازرگان، ۱۳۸۶)

همانطور که در مطالب پیشین گفته شد ترک تحصیل یا پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با وضعیت اقتصادی جامعه و خانواده در ارتباط می‌باشد. عواملی چون پائین بودن درآمد، مسکن نامناسب، عدم سرپرستی و حضور پدر و مادر در خانواده و کثرت فرزندان بر ترک تحصیل فرزندان تاثیر دارد. مشکلات والدین در راه کوشش و تلاش برای معاش و گرفتاریهای بی شمار آنها در این رابطه معمولاً والدین را از اوضاع و احوال فرزندان خود غافل می نماید و در حقیقت رابطه صحیحی را که لازمه ی یک زندگی سالم است را مختل میسازد و اثرات این نوع زندگی در ظرف چند سال موجب تخریب نیروهای بالقوه آنان می گردد.

نتیجه گیری

موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی معمولاً با سطح سواد و نوع و میزان درآمد سنجیده می شود مطالعات نشان می دهد شرایط بهتر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سبب توفیق تعلیم و تربیت و تحصیلی خواهد شد. از لحاظ فرهنگی خود پنداری فرد تاثیر زیادی بر انتظارات از زندگی آینده اش دارد تشکیل این مفهوم در دانش آموزان تحت تاثیر افراد مقتدر و معتبر در زندگی آنهاست. خانواده می تواند بعنوان نمونه بارز این افراد باشند و نگرش خانواده به فرزندان بعنوان مهمترین نهاد فرهنگی تاثیر زیادی بر جریان تحصیلی آنان دارد. از لحاظ اقتصادی موقعیت و جایگاه اقتصادی خانواده و نقشی که خانواده در جامعه امروز بازی می کند می تواند در جریان تحصیلی فرزندان تاثیر زیادی داشته باشد. نوع شغل والدین و میزان درآمد

آنان می تواند کمک زیادی به فرزندان باشد. نکته قابل توجه اینکه تحقیق چندانی در این حوزه بر روی جامعه آماری مورد مطالعه صورت نگرفته است همچنین مقایسه این تحقیق با تحقیقات پیشین مبین آنست که تحقیق مزبور بیشتر به شکل ساخت و نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان پرداخته در حالی که در تحقیقات پیشین کمتر روی بعد شکل و ساخت خانواده توجه داشته اند که مبین نو بودن این تحقیق است. بر این اساس فرضیه هایی تدوین شده و نتایجی که از آزمون این فرضیه ها به دست آمده به شرح زیر می باشد :

آزمون فرضیه اول تحقیق نشان داد که، شکل خانواده بر پیشرفت تحصیلی فرزندان تاثیر دارد. این مطلب با نظر جامعه شناسان و نظریه پردازان عرصه ی علوم اجتماعی همسو بوده و هم خوانی دارد. آزمون فرضیه دیگر تحقیق نشان داد که، جنسیت فرزندان بر پیشرفت تحصیلی آنها تاثیر دارد. این مطلب نیز با نظر جامعه شناسان و نظریه پردازان همسو می باشد. آزمون فرضیه سوم تحقیق نشان داد که، جنسیت سرپرست خانواده بر پیشرفت تحصیلی فرزندان تاثیر ندارد. آزمون فرضیه چهارم تحقیق نشان داد که، نقش خانواده بر پیشرفت تحصیلی فرزندان چشمگیر بوده، این اثر مستقیم و قوی است و با بهبود و افزایش وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده، پیشرفت تحصیلی فرزندان افزایش می یابد.

بین سطح درآمد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دیرآموز رابطه بسیار زیادی وجود دارد. به عبارتی ساده تر هرچه سطح درآمد خانواده بیشتر باشد فرزندان آنها نیز از پیشرفت تحصیلی بهتری برخوردارند چرا که با ایجاد فضای آموزشی مناسب و تهیه امکانات و ملزومات آموزشی به نوعی سرمایه گذاری بلندمدت و مطمئن تر نموده است که این امکان در خانواده های طبقات پایین تر از نظر مالی کمتر اتفاق می افتد. البته فرزندان باهوش و تیزهوش و دارای پیشرفت تحصیلی در خانواده های کم درآمدتر نیز دیده شده است و نمی توان منکر این قضیه

شد. ولی چون این نمونه ها بسیار اندک هستند نسبت به فرزندان افرادی که درآمد خوبی دارند لذا می توان آن را عمومیت داد و آنچه که قابل تعمیم به جامعه می باشد با توجه به نتایج به دست آمده و تأیید فرضیه مورد نظر می توان ادعا کرد که درآمد خانواده در پیشرفت تحصیلی بسیار مفید و مؤثر است لذا احتمال عکس این قضیه نیز مصداق دارد که قابل اغماض و چشم پوشی نمی باشد. آنچه به عنوان یافته و پیشنهاد می گردد، اینکه برنامه ریزان مسائل آموزشی باید در برنامه ریزی کلان جامعه مناطقی را که محرومند و از نظر مالی ضعیف ترند به نحوی تحت پوشش و آموزش رایگان و اجباری قرار دهند تا نشود عمق وسیع بین طبقات برخوردار و عدم برخوردار را با قرار دادن امکانات آموزشی مناسب و معلمین مجرب خلاء ای را که به وسیله کمی درآمد خانواده ها ایجاد شده است تحت شعاع قرار دهد. و دانش آموزان حتی الامکان ملزومات آموزشی متناسب برخوردار گردند با توجه به نتایج حاصله می توان گفت که تقریباً اکثریت نمونه های مورد سؤال مسئله سواد تحصیلات افراد خانواده را عامل مهم و تعیین کننده پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دیرآموز دانسته و در این ارتباط با اطمینان بالا می توان بیان داشت: بین تحصیلات خانواده و پیشرفت تحصیلی فرزندان مرزی آنها رابطه وجود دارد از این رو فرضیه مورد نظر در سطح خیلی بالا مورد تأیید قرار گرفته است. به عبارتی دیگر می توان گفت که لازمه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دیرآموز و کلاً دانش آموزان داشتن سواد و تحصیلات خانواده ها می باشد. به تجربه نیز مشاهده شده است که اکثر افرادی که درجات علمی موفق را طی نموده اند والدین آنها تحصیل کرده و باسواد بوده اند البته مسئله وراثت، علاقه و انگیزه به فراگیری علم و دانش، شرایط آموزشی مناسب و... نیز بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارد. به همین دلایل در خانواده های بی سواد و سطح پایین تحصیلات دانش آموزان کمتری از لحاظ پیشرفت تحصیلی مشاهده شده است لذا به عنوان یافته پیشنهاد می گردد، اگر چنانچه مسئولان همچنان که بر امر سوادآموزی تأکید دارند

مصرانه به این امر مهم و اساسی همت ورزند و خانواده ها نیز خود را ملزم به استقبال از این هم بدانند این قضیه در آینده نه چندان دور به وقوع خواهد پیوست و برنامه ریز آموزشی کشور نیز حداقل آموزش عمومی را اجباری نمایند تا فرزندان که پدران و مادران فرداوند خدای ناکرده افرادی بی سواد نباشند که نسل بعدی دچار ضرر و زیان و خسارت نسل امروزی نگردد. در جامعه شناسی این نظریه وجود دارد که یکی از کارکردهای مهم خانواده اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان است، دو رقیب عمده خانواده در اجتماعی کردن مدرسه و رسانه های جمعی، به خصوص تلویزیون هستند. این خود نشانه این واقعیت است که خانواده حتی در مراحل اجتماعی کردن کودکان خود نیز آزادی عمل ندارد، به سبب تلویزیون در اکثر منازل، کودکان از سنین پایین جذب برنامه های آن می شوند، هر چند که مدت زمان تماشا ناچیز باشد. هنوز چگونگی تاثیرگذاری تلویزیون بر کودکان و نوجوانان کاملاً مشخص نیست گذشته از بعضی جنبه های مثبت مانند باز کردن افق دید، آگاهی نسبت به تماشا شناخته و نظایر آن معمولاً به یادگیری از طریق تقلید کودکان از تلویزیون اشاره می شود. جامعه ایرانی جامعه ای است با سنت های قدیمی که در آن معمولاً فرزند پسر مطلوب تر است. بر طبق سنت های موجود دختر در نهایت به خانه شوهر می رود و این پسر است که در خانواده می ماند و از لحاظ اقتصادی و معنوی به خانواده کمک می کند. زیرا همانطور که در کتاب های درسی و هم در فیلم ها دیده شده است، ابتکار، پیشرفت و پیروزی در جامعه مردها تعلق دارد. و زن باید به محدوده خانه بسنده کند. نگرش خانواده به اینکه «دختر بالاخره شوهر می کند» است، حتی در حیطه آموزش رسمی به صورت عامل بازدارنده عمل می کند هر ساله در ایران تعداد زیادی از کودکان واجب التعلیم به مدرسه راه نمی یابند در مورد دخترانی که اصولاً به مدرسه نمی روند، همیشه بیشتر از درصد پسرانی است که از آموزش محروم می شوند.

• پیشنهادات این پژوهش

- ۱- جهت رفع فاصله سطح درآمد خانواده ها برنامه ریزی مسئولین آموزشی، کلان کشور برای برخورداری هرچه بهتر و بیشتر مناطق و افراد محروم از امکانات آموزش و پرورش.
- ۲- توصیه می شود کلاسهای ضمیمه در سطح گسترده ای از کشور تشکیل شود. به نحوی که در تمام مدارس ابتدایی عادی کشور به صورت یک قاعده اجرا شود و تمام دانش آموزان دختر و پسر دیرآموز مدارس ابتدایی را تحت پوشش قرار دهد.
- ۳- سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور، طرح سنجش کودکان را در سنین پایین تری به اجرا در آورد تا دانش آموزان دیرآموز بتوانند از آموزش های پیش دبستانی نیز بهره مند گردند.
- ۴- از آنجا که دانش آموزان دیرآموز دچار مشکلاتی به جز افت تحصیلی هستند، مسئولان مدارس خدمات توان بخشی ویژه ای از قبیل مشاوره، گفتاردرمانی و... را برای دیرآموزان مدارس اختصاص می دهند.
- ۵- کودکان خودمان را باور کنیم و آنان را با دیگران مقایسه نکرده و به تفاوت های فردی افراد توجه بیشتری داشته باشیم.
- ۶- برای تحکیم موفقیت فرزندان چه در منزل و مدرسه از روش های تشویقی مناسب استفاده شود.
- ۷- جهت برطرف کردن رواج بیسوادی تأکید بر سوادآموزی رایگان و اجباری نمودن سواد و حداقل آموزش عمومی را اجبار نمایند.

منابع و مآخذ

- ۱) افروز، غلامعلی (۱۳۸۱) چکیده ای از: "روانشناسی تربیتی کاربردی"، تهران : انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- ۲) امین فر، مرتضی (۱۳۶۸)، "علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن، فصلنامه تعلیم و تربیت".
- ۳) امامی، فخرالسادات، رابطه کمال طلبی و سرسختی روان شناختی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ۱۳۸۲.
- ۴) بهروزی، ناصر، پور سید، مهدی. رابطه کمال گرایی، استرس ادراک شده و حمایت اجتماعی با فرسودگی تحصیلی در دانشجویان مقطع علوم پایه رشته پزشکی. راهبرد فرهنگ، ۱۷۷، ۲۷-۱۳۳۱، ۸۵.
- ۵) بختیارپور، سعید، مقایسه ویژگی های فردی، آموزشی، تحصیلی و اقتصادی دانشجویان مشروط و غیرمشروط دانشگاه آزاد واحد اهواز، طرح پژوهشی چاپ نشده، ۱۳۸۶.
- ۶) بشارت، محمدعلی، بررسی رابطه کمال طلبی والدین و اضطراب امتحان دانش آموزان، مجله روان شناسی و علوم تربیتی.
- ۷) بازرگان، زهرا (۱۳۸۶)، "تغییر و نوآوری در مدارس" تهران : انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

- ۸) بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۰)، "روش های پیشگیری از افت تحصیلی"، تهران : انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- ۹) بوردیو و پاسرون، "شکست های تحصیلی"، ترجمه : محمدرضا شجاع (۱۳۷۹)، تهران : انتشارات آستان قدس
- ۱۰) پی کیوز، جان، "دنیای یادگیری در مدرسه"، ترجمه : فرخ لقاء رئیس دانا، (۱۳۸۰)، تهران : انتشارات تعلیم و تربیت
- ۱۱) شجاعی، ایمان (۱۳۸۱)، "اهمیت و نقش آموزش خانواده در آموزش و پرورش در مجموعه مقاله های همایش معلم پژوهش و توسعه"، اردبیل .
- ۱۲) شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی ال، نظریه های شخصیت، ترجمه سید محمدی، یحیی، تهران، انتشارات هما، ۱۹۹۸، ۱۳۸۱.
- ۱۳) میرصدوقی، سیدحسن، بررسی ارتباط بین سبک های استاد علی، سلامت روان و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز ۱۳۷۸.
- ۱۴) نجاریان، بهمن؛ عطاری، یوسفعلی، زرگر، یداله، ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش کمال طلبی، مجله علوم تربیتی و روان شناختی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال ششم، .